

پیشگفتار

در دفاع از تروتسکیزم

حملات گرایش‌های خرده بورژوازی علیه مارکسیزم انقلابی مسئله جدیدی نیست. از زمان کارل مارکس گرایش‌های خرده بورژوا، برای بی اعتبار جلوه دادن نظریات مارکسیستی از هیچ اقدامی دریغ نکرده اند. همانطور که آنارشیست‌ها در دوره مارکس از دشمنان قسم خورده مارکسیزم بودند؛ در عصر ما استالینیزم و مانوینیزم از دشمنان قسم خورده سوسیالیزم انقلابی هستند. همچنان برخی از گرایش‌های خرده بورژوا جنبش کارگری (سندیکالیست‌ها و آنارکو سندیکالیست‌ها) نیز؛ زیر لوای مخالفت با «ایزم»‌ها؛ اساس دستاوردهای جنبش کارگری را از اعتبار تهی می‌کنند.

این روزها کمتر کسی از این گرایش‌ها خرده بورژوا جرأت می‌کند که صراحتاً در مقابل اعتقادات کارل مارکس قد علم کنند. از اینرو برای مقابله با مارکسیزم انقلابی دوران ما، حمله اصلی خود را بر تروتسکیزم می‌گذارند. زیرا که دستگاه دروغ پردازی مسکو و پکن سال‌ها جعلیات و خزعبلات کاذب علیه تروتسکیزم را تحویل طرفداران خود در سطح جهان داده اند. استالینیزم‌ها و مانوینیزم‌ها ایرانی نیز از این قضیه مستثنی نیستند. به ویژه آنان که در دو دهه پیش کوچکترین تحول نظری و فکری پیدا نکرده و مغزهای شان همانند چند دهه پیش تحت تاثیر خزعبلات دروغ پردازی «قطب‌های سوسیالیستی» سابقشان قرار گرفته - حتی چنانچه «قطب‌های سوسیالیستی» شان مانند سران مسکو و پکن به خدمتکاران امپریالیزم مبدل شده باشند! آنها حتی زحمت خواندن مطالبی که نقد می‌کنند را به خود نمی‌دهند. تمام اساس نقد آنها متکی بر جعلیات است.

مخالفت گرایش‌های خرده بورژوا با مارکسیزم انقلابی قابل درک است. خرده بورژوازی با وجود ظاهری «رادیکال» و «خلقی» نهایتاً از در سازش با بورژوازی بر می‌آید. تجربه مانوینیزم و گرایش‌های آنارشیستی در چند دهه پیش در

صحنه جهانی اثباتی است بر این امر. در صورتی که مارکسیزم انقلابی با وجود ایرادات و انحرافات درونی خود هیچگاه همانند اینها به خدمت بورژوازی در نیامده و همواره در کنار طبقه کارگر باقی مانده است.

اما آن اتفاق جدیدی که رخ داده اینست که با مشاهده رشد و تأثیر گذاری مارکسیزم انقلابی در درون جنبش کارگری ایران، اجساد متعفن استالینیزم؛ مانوئیزم و آنارشیزم بار دیگر از زیر خروارها خاک مجدداً سر بیرون آورده تا کوشش کنند نقش تاریخی خود را در راستای خدمات به بورژوازی ایفا کنند. تهاجم اصلی این دونکیشوت ها همواره علیه تروتسکیزم متمرکز شده است.

نقش کارگران پیشتانز انقلابی دفن کردن مجدد این عقاید پوسیده برای همیشه است! برای آشنایی بیشتر با این نظریات انحرافی مجموعه مقالاتی تحت عنوان «در دفاع از تروتسکیزم» در اختیار پیشتانزان انقلابی قرار می گیرد.

مقاله اول، «استالینیزم و تروتسکیزم»، توسط م. رازی نقدهی است به انحرافات موجود خرده بورژوازی در درون جنبش کارگری امروز ایران. این گرایش ها برای مقابله با نظریات انحرافی استالینیزیستی به نفی «ایزم» ها رسیده و کل دستاورهای مارکسیزم انقلابی را زیر سؤال می برند. این مقاله نخستین بار در کارگر سوسیالیست ۴۳، اردیبهشت ۱۳۷۶ انتشار یافت.

مقاله دوم؛ «شبح تروتسکیزم»؛ از م. شایق است که در پاسخ به رهبران حزب توده و بازماندگان جبهه ملی (سوسیال دموکرات) نگاشته شده است. این مقاله نخستین بار در سال ۱۳۵۵ در کندوکاو (نشریه سوسیالیست های انقلابی) درج شد. مقاله سوم؛ «تفسیر تروتسکی از استالینیزم»؛ توسط پری اندرسون نویسنده معروف مارکسیست و استاد دانشگاه کالیفرنیا نگاشته شده است. این مقاله ای است مستند و منطبق به واقعیت ها؛ اما او در بخش محدودیت های تروتسکی می گوید که در دو مورد ارزیابی او اشتباه بوده است: " اول آنکه، در مورد نقش خارجی بوروکراسی شوروی که وی آن را بطور صرفاً یک جانبه "ضدانقلابی" ارزیابی

می کرد. در اشتباه بود. در حالی که وقایع نشان دادند که نقش خارجی بوروکراسی شوروی نیز به همان اندازه ی نقش داخلی اش هم در عمل و هم در پیامدهایش عمیقاً متضاد بوده است. دوم آن که، نظریه تروتسکی دال بر این که استالینیزم صرفاً مبین یک انحراف "استثنائی" از قوانین عام گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم و منحصر به شوروی است، نیز اشتباه از کار در آمد. ثابت شد که ساختارهای قدرت و بسیج بوروکراتیک که استالین پیشقدم در آن بود، در سطح بین المللی پدیده ای عام تر و پویاتر از آن بود که تروتسکی متصور می شد. او در آخرین روزهای حیاتش پیش بینی کرده بود که اتحاد شوروی در یک جنگ با امپریالیزم شکست خواهد خورد، مگر آن که انقلاب در غرب شعله ور شود."

در این امر تریدی نیست که ارزیابی تروتسکی از وقایع خارجی شوروی کاملاً دقیق نبود. اما اگر پیری اندرسون این مقاله را پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق می نوشت (مقاله او در حدود یک دهه پیش از فروپاشی نوشته شده است) مسلماً ارزیابی بالا را از مواضع تروتسکی ارانه نمی داد. نظر تروتسکی این بود که یا در شوروی یک انقلاب سیاسی کارگری رخ خواهد داد و یا آن کشور در ماریپج بورکراسی به عقب باز خواهد رفت (یعنی به سرمایه داری). واقعیت امروز نشان می دهد که ارزیابی تروتسکی در این مورد در کل درست بوده است.

مقاله چهارم؛ «دیالکتیک در دفترهای دیالکتیکی تروتسکی» از حمید حمید؛ محقق مسایل فلسفی مارکسیستی و استاد دانشگاه در آمریکا؛ اثر ارزنده و ویژه ای است از نظریات فلسفی تروتسکی که برای نخستین بار در شماره ۴ «دیدگاه سوسیالیزم انقلابی» ۱۹۹۸ (نشریه تئوریک سوسیالیست های انقلابی)؛ انتشار یافت.

مقاله پنجم؛ «استالینیزم و بلشویزم»؛ اثر لنون تروتسکی است که در اوت ۱۹۳۷ به رشته تحریر در آمد.

م. رازی

۱۰ دی ۱۳۸۳